



دکتر احمد رهدار در کتاب «غربشناسی علمی شیعه در تجربه ایران معاصر» ناظر به ضرورت تحقیق خود می‌نویسد: «[ممکن است] جریان‌هایی - از جمله جریان‌های روشنفکری - ادعا نمایند که اساساً عالمان دینی هیچ‌گونه شناختی از غرب - که به گمان آنها محوری‌ترین عنصر جریان‌ساز در سده‌های اخیر کشور ما می‌باشد - نداشته‌اند یا اگر هم داشته‌اند، به شدت ناقص و حتی غیرواقعی بوده و نتوانسته سیری از اجمال به تفصیل [داشته باشد] و از سطح به عمق بیایند. مواجه شدن با چنین ادعایی، مسلمانانی این پرسش را به میان می‌کشد که [این ادعا] چگونه ممکن است [که] نمایندگان و طلایه‌داران جریان دینی - که در قبال جدی‌ترین چالش‌های هویتی زمان خود سکوت اختیار کرده و تکاپویی نداشته‌اند؟»

دکتر رهدار می‌افزاید: از آنجا که رقابت و چالش ایران با غرب هنوز در جریان است، آگاهی از تجربه و نوع مواجهه جریان اجتهادی شیعه با غرب در قرون اخیر، ضرورتی دوچندان می‌یابد. چرا که «بهتر از هر منشور دیگری می‌تواند در تعیین جهت‌گیری هویت امروز ایرانیان و تعامل آنها با غرب مدرن نقش آفرینی کند.»

دانستند مثل این بود که یک زنجیره فقاقت داریم که حلقه‌های آن برنزی است، اما این یکی به‌طور استثنا طلا است. اما این طلا بودن اساساً به این معنا نیست که حلقه‌ای از این سلسله نیست؛ خیر، حلقه از این سلسله است.

می‌خواهم بگویم مهم است که انقلاب خود را چطور تحلیل می‌کنید. ۴۰ سال از انقلاب اسلامی گذشته است و همچنان می‌گوییم دوران شاه اینچنین بود و الان اینچنین است. اگر هویدا هم بود، خیابان را وسیع می‌کرد و بیمارستان می‌ساخت. این چه نحوه مواجهه با انقلاب اسلامی است؟

مثلاً در ترکیه که انقلاب نشده، خیابان‌های آن تنگ است و پارک ندارد؟ دانشگاه و مقالات ISI ندارد؟ انقلاب [که] فقط این نیست. رقیب و «دیگر» انقلاب ما شاه نیست. کل حرف من این است. «دیگر» انقلاب اسلامی، حکومت پهلوی نیست. اگر «دیگر» این را حکومت پهلوی دانستید، همچنان در این هستید که قبل از انقلاب این اندازه دانشجو داشتیم و الان این میزان داریم.

اگر انقلاب را در مقیاس کلان‌تری تحلیل کنیم، آن وقت برای سنجش انقلاب این پرسش‌ها و پژوهش‌ها قابل طرح است که بگویید انقلاب اسلامی که به وجود آمد، در آمریکا چه اتفاقی رخ داد؟ تنها بگویید در دانشگاه تهران چه اتفاقی داد، بلکه بگویید در دانشگاه‌های غرب چه اتفاقی رخ داد؟ سرفصل‌های انقلاب‌ها چطور جابه‌جا شد؟ نظریه‌پردازی و تئوری‌ها درباره انقلاب‌ها چطور جابه‌جا شد؟ چگونه تئوری‌سین ویژه انقلاب در آن زمان که جریان ساختارگرا و خانم [تدا] اسکاچ‌پل است، فرومی‌باشد. او هم فرومی‌باشد و خودش هم می‌گوید این انقلاب من را فروپاشاند. یعنی باید این را هم دید.

نهضت مشروطه هم این مدلی است. یک‌زمانی نهضت مشروطه را کوتوله و داخلی تحلیل می‌کنید و یک‌زمانی نهضت مشروطه را در سیر تحولات کلان‌تری که چتر این تحولات، چتر جهان اسلامی است، تحلیل می‌کنید و آن زمان یک مدل تحلیل دیگری خواهد داشت.

که می‌خواهم بدهم یمن، عراق، لبنان و خیلی جاهای دیگر را هم می‌بینم و بعد [از آن] می‌گویم [که] نمره من چند است. نوع نگاهی که به نهضت می‌کنم [در نتایج تحلیل] متفاوت است. حتی در قضاوت‌هایی که از نهضت‌های بیرونی [خواهیم داشت] و نسبتی که با آن [نهضت‌ها] برقرار می‌کنیم هم متفاوت است.

مثالی بزنم: نهضتی در تونس برپا شد و بعد از آن هم حزب آقای راشد الغنوشی رای آورد. به محض رای آوردن گفت من خمینی نیستم و نمی‌خواهم باشم. چه اتفاقی افتاد؟ در ایران حرف‌های بسیاری زده شد. عمده حرف‌ها این بود که «عجب آدم نمک‌نشناسی است». [در این] ۴۰ سال بعد از انقلاب، این آدم را آوردیم و برای او تربیون گذاشتیم و اصلاً ما این آقا را آقا کردیم، ولی به محض اینکه به قدرت رسید، گفت «من تو نیستم». این یک قرائت است.

من چند بار برای آقای راشد الغنوشی پیام فرستادم. یک بار به آقای فاضل‌البلدی معاون او و دفعات دیگر توسط بزرگواران دیگری که با او کار می‌کنند. [برای ایشان] پیام تشکر فرستادم و گفتم نمی‌دانم شما هم آنچه را که من تحلیل می‌کنم در ذهن دارید یا نه، اما در هر حال حرفی که بیان کردید، بسیار هوشمندانه بود. شما خوب فهمیدید و هر کسی نمی‌تواند آقای خمینی باشد. آقای خمینی برآیند یک خرده‌نهضتی که در آن یک آدمی خود را آتش بزند و یک هفته بعد مردم احساساتی شوند و شاهی را سرنگون کنند و به بدل او رای بدهند، نیست، آقای خمینی معلول بیش از صد نهضت در دو قرن اخیر است. اگر شما با اولین خرده‌نهضت خود بتوانید خمینی تولید کنید، توهین به آبا و اجداد من است. یعنی این مسیری که شما با یک خرده‌نهضت توانستید طی کنید، من با صد نهضت طی کردم؟ این اندازه عنصر ایرانی خنگ بوده است؟

خمینی یک فرد نیست. خمینی خروجی یک تاریخ است. اینکه اصرار دارم بگویم امام (ره) از عمق تاریخ ما آمده است و برآیند بردارهای تاریخی ما است، نه اینکه استثنایی باشد که از آسمان آمده باشد. اگر هم امام (ره) را یک استثنا

